

سینما



مصطفی

عقائد

کارگردان

فیلم

پیاپی

و عمر و ختار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

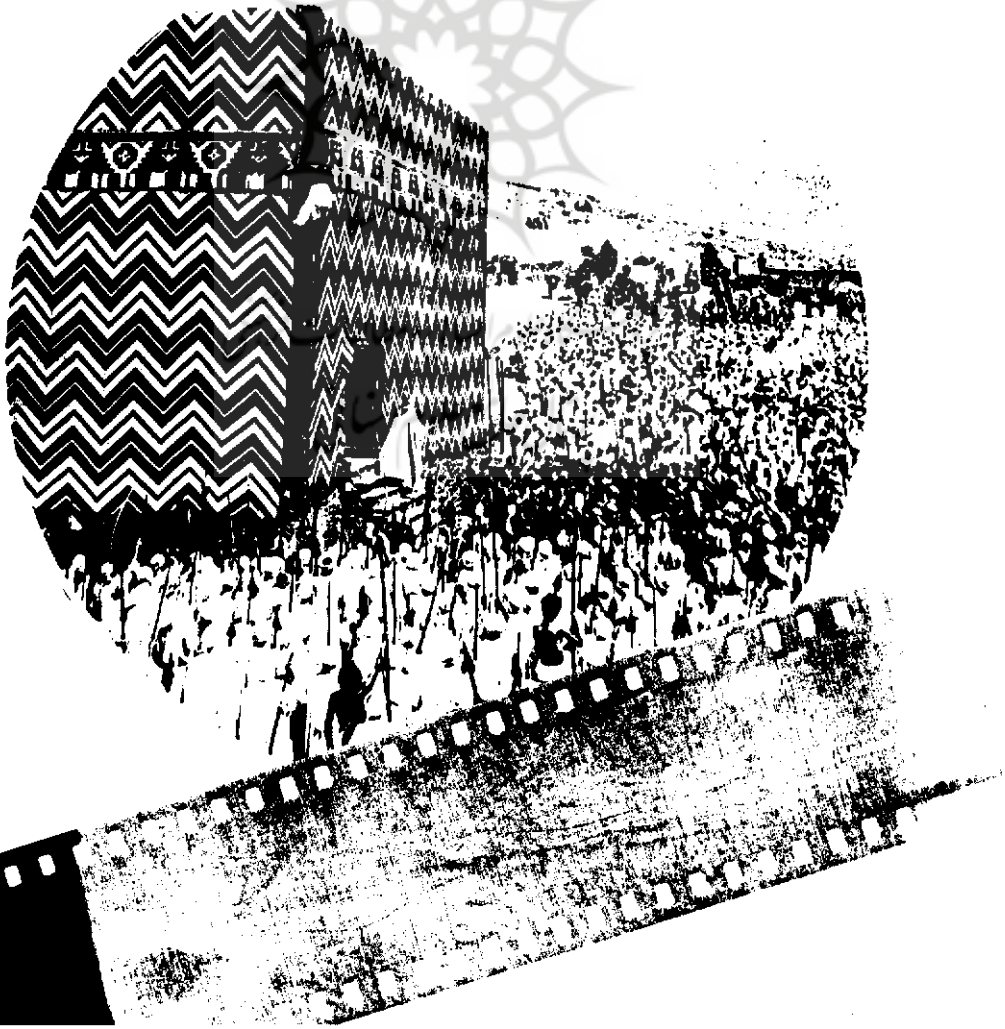
تصویرگر عظمت تاریخ

● مصطفی عقاد در شهر حلب در سوریه متولد شد. پیش از اینکه وارد کالج امریکایی حلب شود. تحصیلات ابتدایی خویش را در همین شهر پایان رسانید و پس از پایان تحصیلات متوسطه تصمیم گرفت به لوس آنجلس برود و در رشته سینما ادامه‌ی تحصیل بدهد. مدتی بعد از اقامتش در امریکا، به عنوان یک شهروند امریکایی در برنت وود کالیفرنیا مقیم شد.

در سال ۱۹۵۳ بود که عقاد وارد دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس شد و با درجه‌ی لیسانس در رشته تأثیر از این دانشگاه فارغ‌التحصیل گشت. سپس به دانشگاه ساوترن کالیفرنیا رفت و در رشته سینما درجه فوق لیسانس گرفت. پس از پایان تحصیلاتش به استخدام بخش اخبار شبکه تلویزیونی سی بی اس در آمد و در برنامه «دیگران چگونه ما را می‌نگرند» آغاز به کار کرد.

پیش از اینکه مستقلاً بعنوان کارگردان آغاز به کار کند مدتی دستیار سام پکین پا، کارگردان امریکایی بود. یکی از موفق‌ترین آثارش سریال «جنگهای سزار» است که کمپانی یونایتد آرتیست تهیه کننده‌اش بود. نخستین فیلم بلندش «پیامبر» بود که فیلمبرداری آن در ۱۶ آوریل ۱۹۷۴ در دهکده پوشنت در ۲۵ کیلومتری شهرمراکش در کشور مراکش آغاز شد اما بدلیل سیاسی کار فیلمبرداری متوقف شد و عقاد به لیبی رفت و فیلمش را در این کشور پایان رسانید.

عقاد پس از ساختن فیلم «پیامبر» در گفتگویی توضیح می‌دهد که از زمان آغاز تحصیل سینما به فکر ساختن فیلمی در باره زندگی حضرت محمد (ص) و سالهای اولیه تاریخ اسلام بوده است و حتی برای نوشتن فیلمنامه این فیلم، سالها مطالعه و تحقیق و بحث داشته و



سرانجام هم فیلمنامه را پس از بارها حک و اصلاح - به تأیید علما و اساتید دانشگاه الازهر قاهره رسانیده و تنها پس از کسب این موافقت ساختن فیلم را آغاز میکند.

او برای ساختن فیلم «پیامبر» اولین و تنها نسخه از زندگانی حضرت محمد (ص) و صحابه، تمام عوامل لازم برای ساختن فیلمهای عظیم و حماسی را بکمک می گیرد و اثری حماسی و عظیم می سازد. حتی برای احترام به نظرات تماشاگران شیعی مذهب و سنی مذهب خود، فیلم را در دو نسخه جداگانه تدوین و صداگذاری می کند و همانطور که انتظار می رفت، فیلم او از

مطرح ترین و جنجالی ترین فیلمهای چند سال اخیر می شود. او از تمام اطلاعات موجود در باره معماری، لباس و اعتقادات اعراب بادیه نشین قبل از ظهور حضرت محمد (ص) برای ساختن فضا و تصویر پردازی جزیره العرب کمک می گیرد و بی آنکه چهره حضرت رسول اکرم را به پرده نمایش دهد، زندگانی آن حضرت و صحابه را بر پرده مجسم می کند.

عقاد برای فیلم دوم خود به سراغ زندگی عمر مختار، معلم مبارز لیبیایی می رود که در سالهای سلطه ایتالیا بر لیبی، با قوای اشغالگر جنگید و پایه گذار انقلاب ضد



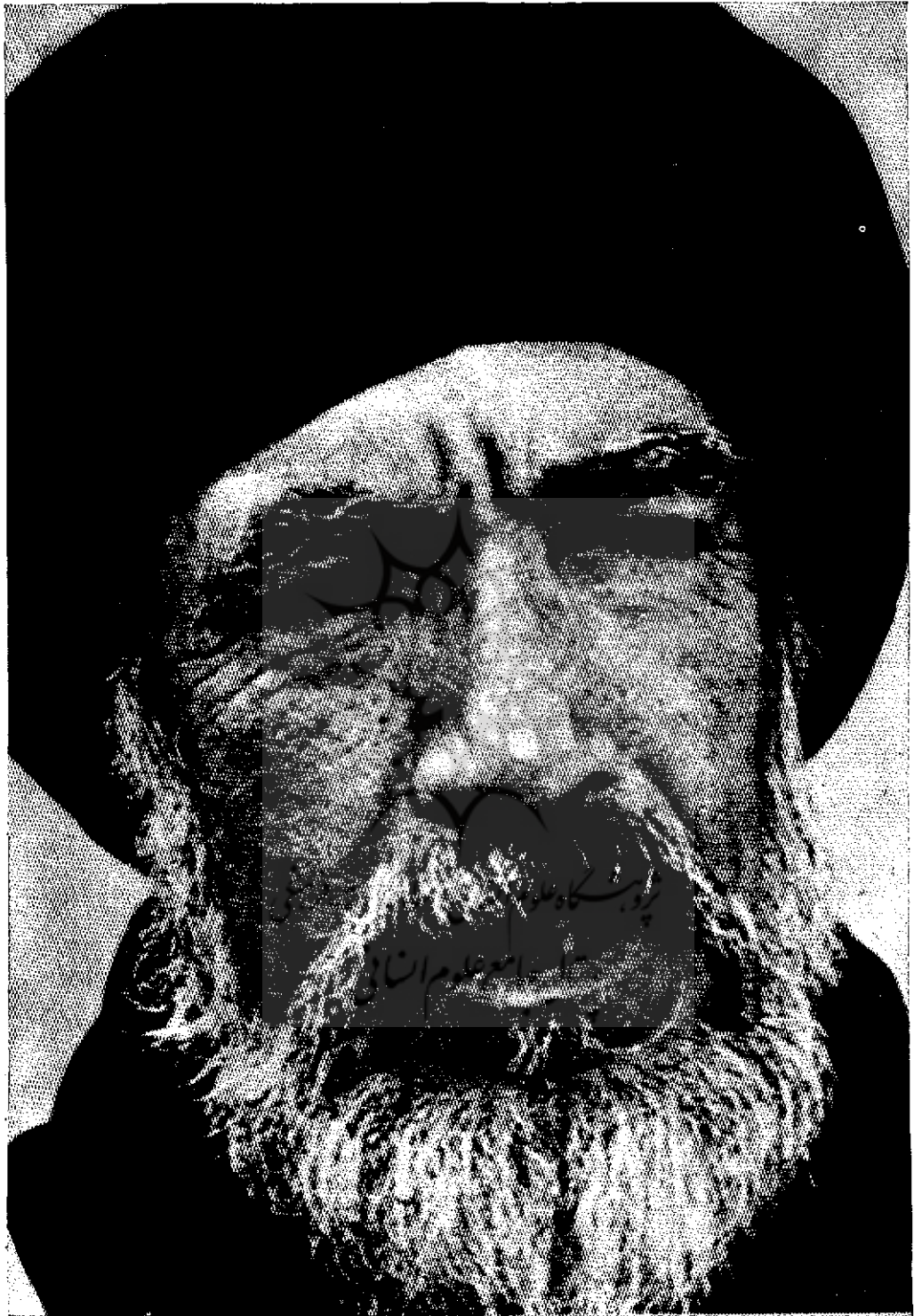
استعماری لیبی شد.

وقایع فیلم در سال ۱۹۲۹ رخ می دهد. زمانی که موسولینی دیکتاتور ایتالیا جنگی طولانی را علیه مردم انقلابی لیبی آغاز می کند. موسولینی، ژنرال رودولفو گراتزیانی را با ارتش تا دندان مسلحش برای سرکوب مردم مبارز لیبی می فرستد. عمر مختار رهبری مبارزان را علیه نیروهای گراتزیانی بعهد می گیرد و انقلاب ضد استعماری لیبی را پایه گذاری می کند.

عقاید این بار نیز از تمام عوامل موجود بهره می برد. صحنه های جنگ را با دقت و وسواس تمام بازسازی

می کند و آنرا با مهارتی فنی و تخصصی انجام می دهد. از همین رو صحنه های نبرد فیلم، به ویژه نبرد آخر در «وادی الکوف» از ضربی تند و تحرکی بسیار ودقتی وسواس گونه برخوردار است. از آنجا که هدف فیلم ارج گذاشتن بر مبارزات ضد استعماری مردم لیبی بر علیه قوای اشغالگر ایتالیا و نماینده آن ژنرال گراتزیانی است، فیلم می کوشد تا در شخصیت سازی از عمر مختار، از او قهرمانی یکه تاز (به سبک سینمای رایج) نسازد. صحنه آخر که مردم لیبی را پس از شهادت عمر مختار نشان می دهد، شاهی بر همین تاکید بر حرکت مردمی است







باشد، بلکه تصویرگر عظمت تازیخی موضوع اثرش نیز باشد. استفاده او از هنر پیشگان مشهور بین المللی نیز در جهت همین خواست و هدف است. ●

فضا سازی او از صحرا، محل وقوع حوادث هر دو فیلم، نشان از علاقه‌ی او به موضوع فیلمش و فرهنگ سنتی و مادری اوست.

با آنکه تماشاگر مسلمان داستان و موضوع فیلم «پیامبر» (ص) را می‌داند، با اینحال فیلم گیزا و پرکششی است. این شاید به علت سادگی و کم غلط بودن فیلم در مقایسه با «عمرمختار» و شاید به علت اعتقادات مذهبی و سنتی اوست که بهرحال به فیلم، بُعدی حسی و جذباتی بیشتر بخشیده است.

که اکنون می‌روند تا خود بر علیه نظام استعمارگر موجود بشورند. کودک فیلم نماینده نسل جوانی است که پخته و آبدیده از حرکت عمرمختار پیر، در چند دهه‌ی بعد بر علیه همه استعمارگران و خود کامگان داخلی می‌شورد و خود حاکم بر سرنوشت خویش می‌شود. در پایان فیلم می‌بینیم که او عینک عمر مختار را از زمین برمی‌دارد، عینکی که عمر مختار قبل از شهادت و قبل از هر حمله‌ای با آن قرآن می‌خواند و در یک مفهوم کلی‌تر، جهان را از پشت آن می‌بیند.

استفاده عقاد از شیوه فیلمسازان غربی، قدمی به نفع سینمای اوست که می‌خواهد فیلمش نه فقط در بازارهای بین المللی سینما قدرت عرض اندام داشته



پژوهشگاه ملی انسانی و مطالعات
فرهنگی و اجتماعی